صفحات ۳۵ تا ۵۴

تحلیل گفتمانی و راهبردی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های مقاومت اسلامی (مطالعهٔ موردی حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین)

تاریخ دریافت : ۱۲/ ۱۴۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

آبگشا، مرتضی (نویسنده مسئول) [۱] قدیمی نژاد شالکوهی، سیدعباس[۲]

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیدهٔ تحول‌ساز، تأثیراتی عمیق و چندبعدی بر جنبش‌های مقاومت اسلامی در خاورمیانه و فراتر از آن داشته است. این پژوهش با تمرکز بر دو جنبش حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین، به تحلیل ابعاد گفتمانی، راهبردی-نظامی و بین‌المللی این تأثیرات می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد انقلاب اسلامی از طریق احیای گفتمان مقاومت مبتنی بر اسلام انقلابی، مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی و ترویج گفتمان ضداستکباری، نقش الهام‌بخشی بی‌بدیلی برای این جنبش‌ها ایفا کرده است. در بعد راهبردی، حمایت‌های همه‌جانبهٔ ایران شامل پشتیبانی مالی، نظامی، آموزشی و لجستیکی، توان عملیاتی و بازدارندگی این گروه‌ها را به‌طور چشمگیری ارتقا داده و منجر به ایجاد «محور مقاومت» به‌عنوان بازیگری مؤثر و تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای شده است. این تحولات راهبردی، توازن قوا در منطقه را دگرگون ساخته است. در نتیجه، انقلاب اسلامی را می‌توان عاملی کلیدی در شکل‌گیری، تثبیت و تقویت جبهه مقاومت و تغییر موازنهٔ قدرت در مقابل استکبار جهانی دانست که تأثیرات آن تا به امروز ادامه یافته است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، مقاومت اسلامی، گفتمان مقاومت، حزب‌الله، حماس

---

[۱]. دانش آموخته سطح ٤ حوزه علمیه قم، قم- ایران. پست الکترونیکی: abgosha1359@gmail.com

۲ . استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، قم - ایران. پست الکترونیکی: Sooreh114@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش (۱۹۷۹م) به رهبری امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه) نقطهٔ عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام محسوب می‌شود و نه‌تنها تحولی عمیق در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران با سرنگونی نظام سلطنتی ایجاد کرد، بلکه با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به یک الگوی مبارزاتی برای جنبش‌های آزادی‌بخش تبدیل شد و تأثیرات گسترده‌ای بر جنبش‌های مقاومت اسلامی در سطح منطقه و جهان گذاشت. این انقلاب با شعارهای استقلال‌طلبانه، ضداستعماری و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، الگویی جدید از مبارزه را ارائه داد که فراتر از مرزهای ایران، الهام‌بخش گروه‌ها و نهضت‌های مقاومت در خاورمیانه و سایر نقاط جهان شد. مقاومت اسلامی به‌عنوان یک جریان ضداستعماری و ضدصهیونیستی، تحت‌تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این انقلاب قرار گرفت.

پیشینه

درباره پیشینهٔ پژوهشی این موضوع، می‌توان به دو رویکرد تاریخی و گفتمانی اشاره کرد. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های تاریخی در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. فوکو و تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی؛ میشل فوکو (فیلسوف برجستهٔ فرانسوی) با ترجمهٔ رضا رمضان نرگسی.

ایشان در سلسله گزارش‌های خود از ایران، انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک الگوی جدید مقاومت ضداستعماری تحلیل کرد. او بر خصلت اسلامی و مردمی این انقلاب تأکید داشت که بعدها به الگوی دغدغه‌های میشل فوکو دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران تبدیل شد. نکتهٔ قوت این پژوهش آن است که گفتمان انقلابی از دیدگاه یک اندیشمند غربی، یعنی میشل فوکو، ارائه و تحلیل شده است؛ همچنین بر ماهیت ضداستعماری و مردمی انقلاب اسلامی تأکید شده است. بااین‌حال، محدود بودن تحلیل فوکو به گزارش‌های کوتاه‌مدت او از ایران و دربرنگرفتن تحولات پس از انقلاب، از مهم‌ترین کاستی‌های این پژوهش به شمار می‌رود. افزون بر این، اثر یادشده فاقد

بررسی تأثیرات منطقه‌ای انقلاب اسلامی است. رویکرد فوکو بیشتر توصیفی-تحلیلی است و از چهارچوب نظری جامع گفتمان به‌شکل سیستماتیک استفاده نکرده است.

۲. حزب‌الله لبنان و بیداری اسلامی؛ حمید پاشاپور یوالاری.

این کتاب، پژوهشی است از مرکز اسناد انقلاب اسلامی که نقش حزب‌الله لبنان را در بیداری اسلامی خاورمیانه بررسی می‌کند. نویسنده، تأثیرات داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی مقاومت حزب‌الله را تحلیل کرده و ارتباط آن را با بیداری اسلامی ارزیابی کرده است. از مهم‌ترین نقاط قوّت این پژوهش آن است که ابعاد داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات حزب‌الله لبنان را به‌شکل جامع و منسجم بررسی کرده و با اتکا به منابع معتبر، تحلیلی قابل‌اعتماد ارائه داده است. بااین‌حال، وابستگی مؤسسهٔ انتشاراتی به مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌تواند تا حدودی از شدت نگاه انتقادی در تحلیل‌ها بکاهد. همچنین، نقش سایر بازیگران مؤثر در خیزش بیداری اسلامی، غیر از حزب‌الله، مورد بررسی کافی قرار نگرفته است.

۳. از مقاومت تا پیروزی: تاریخچهٔ حزب‌الله لبنان ۱۳۷۹-۱۳۶۱؛ مسعود اسداللهی.

این کتاب به بررسی تاریخچهٔ حزب‌الله لبنان از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹ در سه فصل می‌پردازد: پیشینهٔ شیعیان لبنان تا انقلاب ایران، شکل‌گیری حزب‌الله پس از حملهٔ اسرائیل و اختلاف با جنبش امل، و عملکرد آن پس از پیمان طائف تا عقب‌نشینی اسرائیل.

از مهم‌ترین نقاط قوّت این کتاب آن است که با ارائهٔ تاریخچه‌ای مستند و دقیق، روند شکل‌گیری و تثبیت حزب‌الله لبنان را به‌خوبی مستندسازی کرده است. همچنین ساختار منسجم و فصل‌بندی منطقی آن براساس دوره‌های تاریخی مختلف، درک خواننده را از سیر تحولات تسهیل می‌کند. در مقابل، از نقاط ضعف کتاب آن است که تمرکز صرف بر تاریخ‌نگاری، بدون بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری برای تحلیل عمیق‌تر رویدادها، از عمق تحلیلی آن کاسته است. افزون بر این، پوشش ندادن تحولات پس از سال ۱۳۷۹ تحلیل را به یک بازهٔ زمانی محدود کرده و از بررسی تأثیرات متأخر غافل مانده است.

٤. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی؛ محمدجواد انتظاری.

انقلاب اسلامی ایران با احیای نقش دین در سیاست، موجی از بیداری اسلامی در جهان اسلام و جنبش‌های آزادی‌بخش ایجاد کرد. این کتاب تأثیر انقلاب را بر ذهنیت مسلمانان و مشروعیت حکومت‌ها بررسی کرده و نقش آن در تحرک نیروهای اسلامی را تحلیل می‌کند. از مهم‌ترین نقاط قوّت کتاب، تبیین روشن پیوند نظری میان انقلاب اسلامی و جنبش‌های بیداری اسلامی و تأکید بر احیای نقش دین در عرصهٔ سیاست است. همچنین تحلیل نقش انقلاب در تحرک‌بخشی به نیروهای اسلامی، سهم مناسبی در ادبیات موضوع دارد. از مهم‌ترین کاستی های کتاب، نبود شواهد عینی و داده‌های میدانی برای اثبات ادعاهاست؛ مسئله‌ای که سبب شده است استدلال‌ها در سطحی انتزاعی و نظری باقی بمانند. همچنین محدود بودن منابع به آثار فارسی و نبودِ استناد به پژوهش‌های بین‌المللی، ممکن است دیدگاه کتاب را یک‌سویه کرده باشد.

۵. جنبش‌های اسلامی در فلسطین (حماس و جهاد اسلامی)؛ نوشتهٔ حسن خدادی.

این کتاب، ضمن مروری تحلیلی بر وضعیت گذشته و حال جنبش‌های اسلامی در فلسطین، تلاش دارد آیندهٔ روابط جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی را بررسی کند. در این راستا، ابتدا وضعیت کنونی جنبش‌های فلسطینی و سپس روند تاریخی شکل‌گیری جنبش اسلامی و حماس تبیین شده است. پس از آن نیز، برای ارزیابی آیندهٔ این دو جریان، مواضع و تاکتیک‌های مبارزاتی آن‌ها به‌صورت تحلیلی بررسی می‌شود. از مهم‌ترین نقاط قوّت کتاب، ارائهٔ تحلیلی جامع از روند تاریخی شکل‌گیری و تکامل دو جنبشِ حماس و جهاد اسلامی است؛ تحلیلی که امکان پیگیری دقیق سیر تحول این دو جریان را فراهم می‌سازد. همچنین بررسی مقایسه‌ای مواضع و تاکتیک‌های این دو جنبش، درک خواننده را از وجوه تشابه و تفاوت آن‌ها عمق می‌بخشد. یکی از کاستی‌های کتاب، نبودِ چهارچوب نظری روشن است؛ این امر باعث شده تحلیل روابط آیندهٔ دو جنبش، بیش از آنکه مبتنی بر یک مدل تحلیلی مستحکم باشد، بر حدس و گمان استوار بماند. همچنین غفلت از تأثیر بازیگران خارجی (مانند ایران، قطر و مصر) بر تعاملات درونی جنبش‌ها، تحلیل را تا حدی ناقص کرده است.

٦. گفتمان انقلاب اسلامی و روندهای منطقه‌ای و جهانی؛ سیدعباس حسن‌نیا مقدم.

هدف کتاب، تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی و رقبای آن، همراه با بررسی روندهای جهانی برای پیش‌بینی نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰م است. این کتاب با ترکیب تحلیل گفتمانی و روندکاوی بین‌المللی، رویکردی نوآورانه و آینده‌نگرانه ارائه می‌دهد. پیش‌بینی تحولات نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰م براساس گفتمان انقلاب اسلامی، جسارت علمی و افق دید گسترده‌ای را نشان می‌دهد. همچنین انطباق پیش‌بینی‌ها با رویدادهای واقعی، اعتبار تحلیلی نویسنده و کاربردی بودن پژوهش را تقویت می‌کند. اتکای شدید کتاب به پیش‌بینی‌های تحلیلی، ممکن است باعث کم‌رنگ شدن مستندات تاریخی و داده‌های میدانی شده باشد. همچنین تمرکز عمده بر گفتمان انقلاب اسلامی و عدم توجه کافی به گفتمان‌های رقیب دیگر (غیرغربی)، ممکن است تحلیل را یک‌سویه کرده باشد.

از منظر گفتمانی، انقلاب اسلامی یک نظام معناساز جدید در سیاست بین‌الملل ایجاد کرد که بر پایهٔ مفاهیمی مانند استکبارستیزی، امت اسلامی و مقاومت استوار بود.

۷. تبیین نظریهٔ مقاومت مبتنی بر اندیشهٔ امامین انقلاب اسلامی؛ حسین میرچراغ‌خانی.

این کتاب، نظریهٔ مقاومت را براساس اندیشه‌های امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای(مدظلّه العالی) با رویکردی روشمند و تحلیل دلایل موجه بودن آن، تبیین علمی نموده است. همچنین نظریهٔ مقاومت با رویکردی میان‌رشته‌ای و در پرتو شاخه‌های مختلف علوم انسانی، ازجمله فلسفه، فقه، اقتصاد و تاریخ به‌طور تحلیلی بررسی شده است. از نقاط قوت این اثر، تبیین نظام‌مند و میان‌رشته‌ای نظریهٔ مقاومت است که آن را در چارچوب علوم انسانی، شامل فلسفه، فقه، اقتصاد و تاریخ، تحلیل می‌کند. بااین‌حال، تمرکز غالب بر اندیشه‌های داخلی و عدم مقایسه با دیدگاه‌های دیگر مکاتب فکری، تحلیل را تا حدودی یک‌سویه کرده است.

۸. هژمونی گفتمان اسلام‌گرایی در انقلاب اسلامی؛ حمید یوسفیان اهری.

این کتاب، نظریهٔ مقاومت را بر پایهٔ اندیشه‌های امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) با رویکردی روشمند و ساختاریافته و منسجم تبیین می‌کند و تحلیل آن را در پرتو علوم انسانی، شامل فلسفه، فقه، اقتصاد و جامعه‌شناسی، به‌صورت میان‌رشته‌ای ارائه می دهد. از نقاط قوت اثر، تحلیل ساختاریافته و روشمند نظریهٔ مقاومت در چارچوب اندیشه‌های امام

خمینی(رحمةاللّه‌علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) است. رویکرد میان‌رشته‌ای در بررسی نظریهٔ مقاومت (با استفاده از فلسفه، فقه، اقتصاد و جامعه‌شناسی) به عمق‌بخشیِ تحلیل کمک شایانی کرده است. همچنین تمرکز بر گفتمان اسلام‌گرایی به‌عنوان محور هژمونیک انقلاب اسلامی، رویکردی نوین در تبیین نظریهٔ مقاومت ارائه داده است. بااین‌همه، عدم مقایسهٔ تطبیقی با گفتمان‌های مقاومت در دیگر مکاتب فکری، اعم از غربی یا شرقی، تحلیل کتاب را تا حدی محدود کرده است. اتکای عمده بر منابع داخلی و عدم استفاده از منابع بین‌المللیِ معتبر، ممکن است دیدگاه را یک‌سویه کرده باشد.

۹. اندیشهٔ مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی)؛ سعید صلح‌میرزایی.

این کتاب به اهمیت، اصول، باورها و منطق مقاومت و همچنین به عرصه‌های مختلفی که مقاومت در آن‌ها لازم است، ازجمله اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت، می‌پردازد. علاوه‌بر این، آثار و عوامل تقویت مقاومت و پیامدهای منفی از بین رفتن آن نیز بررسی شده است. در بخش دیگر کتاب با استقرای نسبتاً تام در بیانات معظم‌له در موضوع اقدامات دشمن، با تقسیم کردن این اقدامات به دو دستهٔ کلی سخت و نرم، به ده نوع شیطنت پرداخته شده است. از نقاط قوت اثر، تحلیل نظام‌مند و جامع ابعاد مختلف مقاومت، شامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی، و ارائهٔ چارچوب نظری منسجم برای درک این پدیده است. استقرای گسترده از بیانات رهبر انقلاب(مدظلّه‌العالی) و استخراج ده نوع تهدید سخت و نرم دشمن، رویکردی نوآورانه و کاربردی به موضوع مقاومت افزوده است. همچنین تأکید بر جنبه‌های عملیاتی مقاومت (همچون عوامل تقویت و زیان‌های نابودی آن) به غنای محتوای کتاب کمک کرده است. یکی از محدودیت‌های کتاب، فقدان بهره‌گیری از چهارچوب‌های نظری رایج در مطالعات امنیتی بین‌المللی، مانند نظریه‌های تهدیدشناسی، است که سبب شده تحلیل‌ها حالت توصیفی بیشتری داشته باشد و از جنبه‌های تطبیقی کاسته شود. تمرکز انحصاری بر بیانات یک منبع، بدون مقایسه با دیدگاه‌های دیگر اندیشمندان اسلامی یا غربی، می‌تواند تحلیل را محدود کند.

برخی از پژوهش‌ها به تأثیرات عملی انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه‌ای پرداخته‌اند:

۱۰. انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی؛ مرتضی اشرافی.

این کتاب به تحلیل تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی در جهان اسلام می‌پردازد و ارتباط آن با جنبش‌های آزادی‌خواه را بررسی می‌کند. نویسنده پس از تعریف جنبش‌های اجتماعی و تفاوت آن با انقلاب و کودتا، عوامل شکل‌گیری بیداری اسلامی مانند بازگشت به هویت دینی و تحولات فکری-سیاسی را تحلیل کرده و به دیدگاه‌های رهبر انقلاب(مدظلّه‌العالی) دربارهٔ این جریان اشاره می‌کند. از نقاط قوت اثر، تحلیل تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های بیداری اسلامی و روشن کردن پیوند نظری و عملی میان این دو پدیده است. بررسی عوامل شکل‌گیری بیداری اسلامی، مانند بازگشت به هویت دینی و تحولات فکری-سیاسی، به درک خواننده از ریشه‌های این جنبش‌ها کمک می‌کند. همچنین استناد به دیدگاه‌های رهبر انقلاب(مدظلّه‌العالی) به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی این فرایند، اعتبار تحلیلی کتاب را افزایش داده است. بااین‌حال، تعریف مبهم و غیرشفاف از مفهوم بیداری اسلامی و نبود تمایز دقیق میان مصادیق مختلف آن، از دقت تحلیلی کتاب کاسته است. همچنین عدم استفاده از داده‌های میدانی و تجربی برای سنجش دقیق تأثیر انقلاب ایران بر جنبش‌های مختلف، استدلال‌ها را تا حدی انتزاعی نگه داشته است.

با وجود ارزشمندی پژوهش‌های پیشین، نقص اصلی آن‌ها، نبود تحلیلی است که ابعاد گفتمانی، راهبردی-نظامی و بین‌المللی تأثیرات انقلاب اسلامی را به‌طور هم‌زمان و در پیوند با یکدیگر بررسی کند. این مقاله با آگاهی از این شکاف، درصدد است با بهره‌گیری از چهارچوب نظری تحلیل گفتمان در کنار مستندات راهبردی و بین‌المللی، نشان دهد چگونه انقلاب اسلامی نه تنها یک گفتمان جایگزین در برابر گفتمان‌های مسلط زمانه (نظیر ناسیونالیسم عربی و مارکسیسم) ایجاد کرد، بلکه این گفتمان را از طریق پشتیبانی عملی به یک سامانهٔ مقاومت اثرگذار در جغرافیای سیاسی خاورمیانه تبدیل نمود. بنابراین، تمایز و کمک این پژوهش در ارائهٔ تحلیلی یکپارچه و همه‌جانبه‌نگر است که پیوند دیالکتیک «ایدئولوژی و عمل» در تأثیرگذاری منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی را آشکار می‌سازد.

اهمیت و ضرورت

موضوع مقاله، از چند جهت حائز اهمیت و ضرورت است: نخست، از جهت تاریخی و تحولی، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطهٔ عطفی در تاریخ معاصر خاورمیانه، الهام‌بخش جنبش‌های مقاومت در منطقه شد و بررسی این تأثیرات، درک بهتری از تحولات جاری مقاومت اسلامی ارائه می‌دهد. دوم، تحلیل و تبیین گفتمان مقاومت برای فهم هویت و اهداف جنبش‌های مقاومت امروز ضروری است. سوم، از جهت راهبردی، شناخت تأثیرات انقلاب اسلامی بر گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و حماس، به سیاست‌گذاران و پژوهشگران کمک می‌کند تا راهبردهای آیندهٔ مقاومت را پیش‌بینی و تحلیل کنند. چهارم، برخی جریان‌ها با تحریف نقش انقلاب اسلامی، سعی در کم‌رنگ کردن تأثیر آن دارند و این مقاله با مستندات تاریخی و گفتمانی به مقابله با این روایت‌های نادرست می‌پردازد. پنجم، بررسی این تأثیرات می‌تواند الگویی برای جنبش‌های آزادی‌بخش دیگر باشد و نشان دهد چگونه یک انقلاب می‌تواند فراتر از مرزهای خود حرکت کند. بنابراین، این مقاله هم از نظر علمی و هم از جنبهٔ عملی، به درک بهتر پدیدهٔ مقاومت اسلامی و نقش محوری انقلاب ایران در شکل‌گیری آن کمک می‌کند.

مقالهٔ حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر تاریخی، سخنرانی‌های رهبران انقلاب و پژوهش‌های دانشگاهی، به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی در سه حوزهٔ کلیدی می‌پردازد:

۱. تأثیر گفتمانی و ایدئولوژیک: احیای هویت اسلامی در مبارزات سیاسی و تقویت گفتمان مقاومت ضدصهیونیستی؛

۲. تأثیر استراتژیک و نظامی: حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و آموزشی از گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و جنبش‌های فلسطینی؛

۳. تأثیر سیاسی و بین‌المللی: شکل‌دهی به محور مقاومت و الهام‌بخشی به جنبش‌های آزادی‌بخش جهانی.

این پژوهش نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی با ارائهٔ مدلی از حکومت دینیِ مستقل و تأکید بر مبارزهٔ ضداستکباری، نقش بی‌بدیلی در تقویت جبههٔ مقاومت ایفا کرده است. تأثیر ایدئولوژی و حمایت‌های انقلاب اسلامی، از حزب‌الله لبنان گرفته تا حماس فلسطین، به‌وضوح قابل مشاهده است. در ادامه، با بررسی مستند این تأثیرات، به تحلیل نقش ایران در تحولات منطقه‌ای و جهانی پرداخته خواهد شد:

۱. تأثیر گفتمانی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی بر مقاومت

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک نقطهٔ عطف تاریخی، نه‌تنها ساختار سیاسی ایران را دگرگون کرد، بلکه با ارائهٔ الگویی نوین از مبارزهٔ مبتنی بر اسلام انقلابی، تأثیرات عمیقی بر جنبش‌های مقاومت در سطح منطقه و جهان گذاشت. دو محور کلیدی در این زمینه نقش بسزایی دارد: نخست، احیای هویت اسلامی در عرصهٔ مبارزات سیاسی که جایگزین گفتمان‌های مسلط پیشین مانند ناسیونالیسم عربی و مارکسیسم شد؛ و دوم، تقویت گفتمان مقاومت ضدصهیونیستی که با تأکید بر سه اصل مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی، وحدت جهان اسلام و مقاومت فعال، به الگوی اساسی در سیاست‌گذاری‌های مقاومت تبدیل گردید.

۱-۱. احیای هویت اسلامی در مبارزات سیاسی

پیش از انقلاب اسلامی، گفتمان‌های مسلط در خاورمیانه عمدتاً حول دو محور ناسیونالیسم عربی و مارکسیسم شکل گرفته بود. ناسیونالیسم عربی بر هویت قومی و ملی‌گراییِ سکولار تأکید داشت و مارکسیسم با تمرکز بر مبارزهٔ طبقاتی و ایدئولوژیِ ماتریالیستی، هر دو دین را از عرصهٔ سیاست به حاشیه می‌راندند. انقلاب اسلامی ایران با احیای گفتمان اسلام انقلابی، این نظم گفتمانیِ مسلط را به چالش کشید و یک دال مرکزیِ جدید حول مفاهیمی چون «امت اسلامی»، «استکبارستیزی» و «حکومت اسلامی» بنیان نهاد.

گفتمان مسلط، نوعی سلطهٔ معنایی ایجاد می‌کند که اندیشیدن خارج از چهارچوب آن را محدود می‌سازد. انقلاب اسلامی با ارائهٔ یک ضدگفتمان توانست این سلطه را بشکند و امکان معناسازی جدیدی را در سیاست منطقه ایجاد کند. امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) در سخنرانی خود در نوفل‌لوشاتو (۱۳۵۷) به این مضمون تأکید کرد که اسلام دین مبارزه است، دین مقاومت در برابر ظلم است

(خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۹۳؛ ج ٤، ص ۵۲؛ ج ۵، ص ۵۳۲). این بیان نه‌تنها یک موضع سیاسی، بلکه یک دال شناور بود که معنای جدیدی از «مقاومت» را برخلاف گفتمان‌های سکولار پیشین ذیل اسلام تعریف می‌کرد.

گفتمان انقلاب اسلامی، تقابل زحمت‌کشان و سرمایه‌داران را به تقابل مستضعفین و مستکبرین تبدیل کرد و توانست عاملیت سیاسی جدیدی برای نیروهای مذهبی ایجاد کند. در نتیجه، نه‌تنها گفتمان‌های ناسیونالیسم عربی و مارکسیسم را حاشیه‌ای کرد، بلکه هویت اسلامی را به‌عنوان محوری‌ترین عنصر مبارزه احیا کرد. این تحول گفتمانی، الهام‌بخش جنبش‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و حماس شد که هویت اسلامی را در تقابل با گفتمان‌های مسلط پیشین، کانون مبارزهٔ خود قرار دادند. در نتیجه، احیای هویت اسلامی در مبارزات سیاسی، به‌ویژه در خاورمیانه، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای گفتمانی انقلاب اسلامی بود که مقاومت‌های مردمی را تقویت کرد.

امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه) با تأکید بر «اسلام ناب محمدی»، هویت اسلامی را از حالت انفعالی خارج کردند و آن را به عنصری پویا در مبارزات سیاسی تبدیل کردند. ایشان در سخنرانی‌های متعدد، بر استقلال و آزادی و حکومت اسلامی به‌عنوان اساس مبارزه تأکید کردند؛ همچنین به مضامینی همچون احیای اسلام (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۷۷؛ ج ١٦، ص ۱۳) و نجات اسلام از دست عمّال استعمار (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ج ۳، ص ۱۱۱) تأکید داشتند.

این گفتمان، الهام‌بخش جنبش‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حماس در فلسطین و نهضت‌های مقاومت در عراق و یمن شد که هویت اسلامی را محور مبارزهٔ خود قرار دادند. برای مثال، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، بارها به تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی اشاره کرده و می‌گوید: «انقلاب ایران نقطهٔ عطفی در تاریخ مبارزات امت اسلامی بود و به ما آموخت که با اتکا به اسلام می‌توان در برابر زورگویان ایستاد» (مصاحبه با شبکهٔ المیادین، ۲۰۱۸).

همچنین، احیای هویت اسلامی در فلسطین موجب شد تا حماس با شعار «اسلام راه‌حل است» به مبارزه با رژیم صهیونیستی بپردازد. شیخ احمد یاسین، بنیان‌گذار حماس، با تأکید بر مبارزهٔ ایدئولوژیک و مقاومت مسلحانه، رویکردی مشابه انقلاب ایران در پیوند بین ایمان و مقابله با استکبار داشت (وفایی‌زاده، ١٤٣٣ق، ص ۳۲-۳۳). این تحول گفتمانی نشان می‌دهد که انقلاب

اسلامی با احیای هویت اسلامی، نه‌تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی، روحیهٔ مقاومت را تقویت کرده است.

۱-۲. تقویت گفتمان مقاومت ضدصهیونیستی

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه)، صهیونیسم را به‌عنوان «غدهٔ سرطانی» معرفی کرد و فرمود: «اسرائیل باید از صفحهٔ روزگار محو گردد» (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ١٦، ص ٤٩٠)؛ لذا بر مقابلهٔ همه‌جانبه با آن تأکید نمود. این گفتمان بر سه اصل استوار است:

۱. مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی به‌عنوان موجودیتی نامشروع و اشغالگر؛

۲. تأکید بر وحدت جهان اسلام در برابر تهدیدات صهیونیستی؛

۳. ترویج مقاومت فعال به‌جای سازش و عادی‌سازی روابط.

این اصول در بیانیه‌های رسمی جمهوری اسلامی و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی)، به‌صورت مستند بیان شده‌اند. برای نمونه، ایشان تأکید کردند: «رژیم غاصب، رفتنی است» (خامنه‌ای، ١٤٠٢/٠٧/١١)؛ همچنین فرمودند: «تنها راه‌حل مسئلهٔ فلسطین، مقاومت و مبارزه است» (خامنه‌ای، ١٤٠٢/١٢/٠٨).

پس از انقلاب اسلامی، گروه‌های مقاومت در لبنان، فلسطین و سایر نقاط منطقه، با الهام از گفتمان انقلاب، به تقویت مبارزه علیه رژیم صهیونیستی پرداختند. نمونهٔ بارز این تأثیر، تأسیس حزب‌الله لبنان در دههٔ ۱۹۸۰م با حمایت معنوی و ایدئولوژیک ایران بود که به یکی از مؤثرترین نیروهای مقاومت تبدیل شد. دبیرکل حزب‌الله لبنان، در مصاحبه‌ای گفت: «ما از انقلاب ایران آموختیم که مقاومت تنها راه آزادی قدس است» (مصاحبه با شبکهٔ المیادین، ۲۰۱۸).

اسناد و گزارش‌های بین‌المللی به این تأثیر اذعان دارند؛ برای مثال، ژورنال مطالعات خاورمیانه[1] در سال ۲۰۲۰م اشاره کرده است: «گفتمان مقاومت ایران، محور ایدئولوژیک جنبش‌های

[1]. Journal of Middle East Studies.

ضدصهیونیستی در منطقه شده و به بازتعریف استراتژی مبارزه با اسرائیل انجامیده است» (Middle East Journal, 2020).

بنابراین، انقلاب اسلامی با ارائهٔ گفتمان مقاومت ضدصهیونیستی، نه‌تنها به مقابله با رژیم صهیونیستی پرداخت، بلکه به الهام‌بخشی جنبش‌های مردمی در منطقه منجر شد. این تأثیر گفتمانی و ایدئولوژیک، امروزه به یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری مقاومت در خاورمیانه تبدیل شده است.

۲. تأثیر استراتژیک و نظامی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با ایجاد تحولی بنیادین در معادلات منطقه‌ای، به عاملی کلیدی در شکل‌گیری و تقویت جنبش‌های مقاومت تبدیل شد. دو محور از این تأثیرات نقش اساسی دارد: نخست، نقش ایران در تشکیل و تقویت حزب‌الله لبنان به‌عنوان الگویی موفق در مقاومت ضدصهیونیستی که با حمایت‌های همه‌جانبهٔ مالی، نظامی و ایدئولوژیک همراه بود؛ و دوم، حمایت‌های استراتژیک از جنبش‌های فلسطینی به‌ویژه حماس و جهاد اسلامی که منجر به ارتقای توان عملیاتی آن‌ها گردید.

۲-۱. تشکیل و تقویت حزب‌الله لبنان

تشکیل حزب‌الله لبنان در اوایل دههٔ ۱۹۸۰م یکی از مهم‌ترین دستاوردهای استراتژیک و نظامی انقلاب اسلامی ایران در منطقه بود. با الهام از گفتمان مقاومت امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) و حمایت‌های همه‌جانبهٔ جمهوری اسلامی، این گروه به‌عنوان نیرویی کلیدی در مقابله با رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی شکل گرفت. در این میان، آنچه قابل انکار نیست نقش ایران در تقویت حزب‌الله لبنان به‌عنوان الگویی موفق در مقاومت ضدصهیونیستی است که با حمایت‌های همه‌جانبهٔ مالی، نظامی و ایدئولوژیک همراه بود. براساس گزارش گروه کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۳م، ایران سالانه بین ۸۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار کمک مالی و تسلیحاتی به حزب‌الله لبنان ارائه می‌دهد (گروه کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد، ۲۰۲۳،

پاراگراف ۴۱). همچنین، گزارش مؤسسهٔ بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم[1] در سال ۲۰۲۳م تأیید می‌کند که ایران یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان سیستم‌های پهپادی، موشکی و ضد موشکی برای این گروه است.

براساس اسناد منتشرشده از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ایران از طریق اعزام مستشاران نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارائهٔ آموزش‌های نظامی و ایدئولوژیک، نقشی محوری در توانمندسازی حزب‌الله داشت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نقش ایران در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان، ۱۳۹۵). همچنین، گزارش شورای روابط خارجی آمریکا[2] در سال ۲۰۱۸م تأیید می‌کند که «حزب‌الله با حمایت مالی، تسلیحاتی و آموزشی ایران به قدرتمندترین گروه مقاومت در لبنان تبدیل شد» (Council on Foreign Relations, 2018).

این همکاری استراتژیک نه‌تنها منجر به خروج نیروهای اشغالگر صهیونیستی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰م شد، بلکه حزب‌الله را به الگویی برای جنبش‌های مقاومت در منطقه تبدیل کرد. مقام معظم رهبری(مدظلّه‌العالی) نیز در این زمینه تصریح کرده‌اند: «من تجربهٔ جنوب لبنان را به عنوان یک الگو می‌توانم مطرح کنم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۱/۱۱). بنابراین حزب‌الله پرچم‌دار مقاومت در برابر صهیونیسم است و ایران همواره از این حرکت مقدس حمایت خواهد کرد.

۲-۲. حمایت از حماس و جهاد اسلامی فلسطین

انقلاب اسلامی ایران با اتخاذ رویکردی اصول‌گرایانه در قضیهٔ فلسطین، از همان ابتدا از جنبش‌های مقاومت فلسطینی، به‌ویژه حماس و جهاد اسلامی، حمایت همه‌جانبه‌ای به عمل آورد. این حمایت‌ها در سه حوزهٔ ایدئولوژیک، مالی و نظامی صورت گرفت که منجر به تقویت چشمگیر توان دفاعی و عملیاتی این گروه‌ها شد.

---

1. SIPRI.

2. CFR.

براساس گزارش مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در سال ۲۰۲۱م، ایران از دهۀ ۱۹۹۰م به‌عنوان یکی از حامیان اصلی حماس و جهاد اسلامی شناخته شده و سالانه ده‌ها میلیون دلار کمک مالی و تسلیحاتی به این گروه‌ها ارائه کرده است (Middle East Strategic Studies Center, "Iran's Role in Palestinian Resistance", 2021).

شهید فتحی شقاقی، دبیر کل پیشین جنبش جهاد اسلامی فلسطین، گفت: «خطرناک‌ترین قضیۀ قرن [مسئلۀ فلسطین] در صدر اهتمامات ابرمرد قرن [امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه)] قرار داشت؛ به همین دلیل، ایشان انقلاب ایران را الهام‌بخش برای ادامۀ مبارزه می‌دانست» (شقاقی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۹ و ۱۲۰).

رهبر معظم انقلاب(مدظلّه‌العالی) حمایت از فلسطین را مسئله‌ای اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «مبارزه برای آزادی فلسطین، جهاد فی‌سبیل‌الله و فریضه و مطلوب اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۳/۰۲). این حمایت‌ها موجب شد تا حماس و جهاد اسلامی به بازیگران کلیدی در معادلات مقاومت تبدیل شوند و توان عملیاتی قابل‌توجهی در برابر رژیم صهیونیستی کسب کنند.

۳. تأثیر سیاسی و بین‌المللی

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیدۀ تحول‌آفرین در عرصۀ بین‌المللی، تأثیرات عمیقی بر معادلات سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه و جهان گذاشته است. دو بُعد کلیدی در این زمینه وجود دارد: نخست، ایجاد و تقویت «محور مقاومت» به‌عنوان یک قطب قدرت منطقه‌ای در مقابل تسلط غرب که تحولی اساسی در موازنۀ قوا ایجاد کرده است؛ و دوم، الهام‌بخشی به جنبش‌های آزادی‌بخش جهانی که مدلی نوین از مقاومت ضداستعماری را ارائه کرده است.

۳-۱. ایجاد محور مقاومت

انقلاب اسلامی ایران با ایجاد محور مقاومت، تحولی ژئوپلیتیک در خاورمیانه ایجاد کرد که تأثیرات عمیق سیاسی و بین‌المللی داشته است. این محور که شامل کشورها و گروه‌های مقاومت در منطقه می‌شود، به‌عنوان یک قطب قدرت در مقابل بلوک غرب–صهیونیستی شکل گرفت.

براساس گزارش مؤسسهٔ مطالعاتی بروکینگز در سال ۲۰۲۰م، محور مقاومت تحت رهبری ایران به مهم‌ترین بازیگر معادلات منطقه‌ای تبدیل شده و موازنهٔ قدرت را به‌نفع جبههٔ مقاومت تغییر داده است (Brookings Institution, The Axis of Resistance: Iran's Regional Strategy, 2020). اسناد وزارت خارجهٔ آمریکا نیز به نقش کلیدی ایران در هماهنگی بین اعضای این محور شامل حزب‌الله لبنان، گروه‌های فلسطینی و نیروهای مقاومت در عراق و یمن اشاره کرده‌اند (U.S. State Department Report, 2021).

رهبر انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی) در این زمینه تأکید کرده‌اند: «اقتدار روزافزون گروه‌های مقاومت در کرانهٔ باختری کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۳/۲۴). این استراتژی نه‌تنها موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران شده، بلکه الگوی جدیدی از همکاری‌های فراملی در مقابل استکبار غرب ارائه داده است.

۳-۲. الهام‌بخشی به جنبش‌های جهانی

انقلاب اسلامی ایران با ارائهٔ الگوی حکومت دینی مستقل از قدرت‌های استکباری، به منبع الهام برای جنبش‌های آزادی‌بخش و مقاومت در سراسر جهان تبدیل شد. این تأثیر را می‌توان در سه سطح ایدئولوژیک، سیاسی و عملیاتی مشاهده کرد.

براساس پژوهش دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۹م، انقلاب ایران الگویی جدید از «مقاومت ضداستعماری» را ارائه داد که بر جنبش‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حماس و حتی جنبش‌های آمریکای لاتین تأثیر گذاشت (Harvard University, The Global Impact of Iran's Revolution, 2019). گزارش سرویس تحقیقاتی کنگره آمریکا[1] نیز اعتراف می‌کند که «مدل انقلابی ایران، الهام‌بخش گروه‌های مقاومت در خاورمیانه و فراتر از آن شده است» (Congressional Research Service, Iran's Revolutionary Model, 2021).

---

[1]. CRS.

حضرت امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه) در مواضع مختلفِ صحیفهٔ امام بر این نکته تأکید کرده‌اند که انقلاب ایران الگویی برای مستضعفان جهان به شمار می‌رود (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۱۱۸)؛ همچنین به بحث صدور انقلاب ایران به مستضعفان جهان اشاره می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۴۸۰) و به‌وضوح اعلام می‌کنند که انقلاب اسلامی ایران تنها محدود به ایران نمی شود؛ بلکه پیامی جهانی برای تمام مستضعفان جهان به همراه دارد. این تأثیر جهانی را می‌توان در گسترش گفتمان مقاومت، مقابله با برتری‌جویی غرب و احیای تفکر اسلام سیاسی در سطح بین‌المللی مشاهده کرد.

۳-۳. الهام‌بخشی به جنبش‌های فرامنطقه‌ای

انقلاب اسلامی ایران تأثیری فراتر از مرزهای خاورمیانه داشته و به‌عنوان یک الگوی مبارزاتی ضداستعماری، الهام‌بخش جنبش‌های مقاومت در سطح جهانی شده است. این تأثیر را می‌توان در چند منطقهٔ کلیدی به‌صورت عینی ردیابی کرد:

الف) آسیا و آفریقا:

در یمن، جنبش انصارالله با الهام از گفتمان مقاومت و استکبارستیزی انقلاب اسلامی، به یکی از بازیگران مؤثر در مقابل ائتلاف سعودی-اماراتی تبدیل شد. براساس گزارش مؤسسه آمریکن اینترپرایز[1] در سال ۲۰۲۱، ایران با ارائهٔ پشتیبانی‌های فنی و تسلیحاتی به انصارالله، موازنهٔ قوا در یمن را تغییر داده است (American Enterprise Institute, Iran's Role in the Yemen Conflict, 2021). در نیجریه، جنبش شیعیان تحت رهبری شیخ ابراهیم زکزاکی، با تأکید بر آرمان‌های امام خمینی(رحمةاللّه‌علیه) به مبارزه با استعمار نوین پرداخته است.

ب) آمریکای لاتین:

انقلاب اسلامی به‌عنوان نماد مبارزه با امپریالیسم، در میان جنبش‌های چپ‌گرای آمریکای لاتین نیز نفوذ معنوی داشته است. هوگو چاوز، رئیس‌جمهور فقید ونزوئلا، به‌صراحت انقلاب

[1]. AEI.

ایران را الگویی برای سوسیالیسم قرن بیست و یکم خواند (Speech at the United Nations, 2006). همکاری‌های راهبردی ایران با کشورهای چون ونزوئلا و بولیوی در حوزه‌های انرژی و امنیتی، نمونه‌ای از تبلور عملی این تأثیر است.

ج) جنبش‌های شیعی در عراق و بحرین:

در عراق، احزاب و گروه‌های شیعی مانند حزب‌الدعوه و سازمان بدر، به‌صورت مستقیم و تحت تأثیر ایدئولوژی و استراتژی انقلاب اسلامی شکل گرفتند. رهبران این گروه‌ها سال‌ها در ایران تبعید بودند و پس از سقوط صدام حسین، گفتمان مقاومت و حکومت دینی را به عراق منتقل کردند. در بحرین نیز، جنبش وفاق اسلامی با الهام از مدل جمهوری اسلامی، خواستار تغییرات ساختاری در نظام سیاسی این کشور شده است.

این نمونه‌ها گواهی می‌دهند که انقلاب اسلامی تنها یک پدیدهٔ منطقه‌ای نبوده، بلکه با ارائهٔ سرمشق‌هایی در حکومت‌داری و مبارزه، به منبعی الهام‌بخش برای جهان تبدیل شده است.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با ارائهٔ الگویی مبتنی بر اسلام ناب محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، تأثیرات عمیقی در سه سطح «گفتمانی، راهبردی-نظامی و بین‌المللی» بر جنبش‌های مقاومت داشته است. این پژوهش نشان داد که احیای گفتمان مقاومت ضدصهیونیستی و حمایت‌های همه‌جانبهٔ ایران، نه‌تنها به تقویت عملیاتی گروه‌هایی مانند حزب‌الله و حماس انجامیده، بلکه با ایجاد «محور مقاومت»، معادلات منطقه‌ای را دگرگون کرده است.

پیامدهای نظری تحقیق:

۱. توسعهٔ چهارچوب نظری مقاومت: این پژوهش با تلفیق تحلیل گفتمان و راهبرد، چهارچوبی نوین برای مطالعهٔ تأثیر انقلاب‌ها بر جنبش‌های فراملی ارائه می‌دهد.

۲. تقویت نظریهٔ «امت اسلامی»: یافته‌ها مؤید آن است که گفتمان انقلاب اسلامی، با جایگزینی «امت» به‌جای «ملت»، الگویی بدیل در برابر نظریه‌های سکولار روابط بین‌الملل ایجاد کرده است.

۳. تبیین دیالکتیک ایدئولوژی و عمل: پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تأثیرگذاری منطقه‌ای انقلاب اسلامی، حاصل تعامل پیچیده بین گفتمان مقاومت و پشتیبانی عملی است.

پیامدهای سیاست‌گذاری:

۱. سیاست‌گذاری تقویت محور مقاومت: نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی در تدوین راهبردهای همکاری با جنبش‌های مقاومت براساس الگوی «حزب‌الله لبنان» کمک کند.

۲. ارتقای دیپلماسی عمومی: با بهره‌گیری از گفتمان مقاومت، می‌توان دیپلماسی عمومی ایران را در جهان اسلام و میان جنبش‌های آزادی‌بخش تقویت کرد.

۳. تدوین راهبرد مقابله با تهدیدات نرم: پژوهش حاضر با شناسایی مکانیسم‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، ابزاری برای مقابله با راهبردهای دشمن در عرصهٔ نرم فراهم می‌آورد.

در مجموع، انقلاب اسلامی به‌عنوان یک الگوی پایدار، همچنان می‌تواند با تداوم حمایت گفتمانی و عملی از جنبش‌های مقاومت، نقش محوری خود را در تغییر موازنهٔ قدرت جهانی ایفا کند.

فهرست منابع

۱. اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹)، از مقاومت تا پیروزی: تاریخچهٔ حزب‌الله لبنان ۱۳۶۱-۱۳۷۹، تهران: ذکر.

۲. انتظاری، محمدجواد (۱۳۹۳)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی، تهران: فرادید نگار.

۳. پاشاپور، حمید (۱۳۹۲)، حزب‌الله لبنان و بیداری اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

٤. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: https://farsi.khamenei.ir

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی المیادین: https://www.almayadeen.net

٦. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، میشل فوکو و انقلاب اسلامی، تهران: بقعه-مؤسسهٔ تحقیقات و توسعهٔ علوم انسانی.

۷. حسن‌نیا مقدم، سیدعباس (۱٤۰۲)، گفتمان انقلاب اسلامی و روندهای منطقه‌ای و جهانی، تهران: جهان سیاست؛ با همکاری بنیاد حکمرانی خوب، توسعه و صلح.

۸. خدادی، حسن (۱۳۹۲)، جنبش‌های اسلامی در فلسطین (حماس و جهاد اسلامی)، تهران: ایده سبز.

۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفهٔ امام، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه).

۱۰. فتحی، حسن؛ شقاقی، ابراهیم (۱۳۷۱)، انتفاضه و طرح اسلامی معاصر (فلسطین و ریشه‌های انتفاضه)، بی‌جا: هدی.

۱۱. گروه کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد (۲۰۲۳)، گزارش نهایی گروه کارشناسان مستقل سازمان ملل براساس قطعنامه ۲٦۵۰ (۲۰۲۲)، سازمان ملل متحد، https://www.un.org/

۱۲. میرچراغ خانی، حسین (۱٤۰۲)، تبیین نظریهٔ مقاومت مبتنی بر اندیشهٔ امامین انقلاب اسلامی، بی‌جا: زمزم هدایت.

۱۳. وفایی‌زاده، فاطمه (۱۴۳۳)، زُبر الحدید ۸ (الشیخ احمد یاسین)، تهران: مؤسسة الهدی الثقافیة والفنیة للنشر الدولی.

14. Brookings Institution. (2020). *The Axis of Resistance: Iran's Regional Strategy*. Brookings Institution.
15. Congressional Research Service. (2021). *Iran's revolutionary model*. Congressional Research Service.
16. Council on Foreign Relations. (2018). *Hezbollah: A strategic arm of Iran*. Council on Foreign Relations.
17. Harvard University. (2019). *The global impact of Iran's revolution*. Harvard University.
18. Middle East Journal. (2020). *Vol.74, No.3*. Middle East Journal.
19. Middle East Strategic Studies Center. (2021). *Iran's role in Palestinian resistance*. Middle East Strategi.
20. U.S. Department of State. (2021).
21. American Enterprise Institute. (2021). *Iran's role in the Yemen conflict*. American Enterprise Institute.
22. Chávez, H. (2006, September XX). *Speech at the United Nations General Assembly*. United Nations.
23. Al-Rasheed, M. (2015). *Transnational Shia politics in the Middle East*. Hurst Publishers.
24. BBC Monitoring. (2018). *How Iran's revolution inspired Bahrain's opposition*. BBC Monitoring